

سرمایه اجتماعی در خانواده و احساس امنیت اجتماعی در بین ساکنان شهر سبزوار

حسین قدرتی^۱، طوبی شاه‌جهانی^۲

(تاریخ دریافت: ۹۲/۱/۱۵، تاریخ پذیرش: ۹۳/۸/۷)

چکیده

خانواده به‌منزله شبکه‌ای غیررسمی، بارزترین و واضح‌ترین سرمایه اجتماعی درون‌گروهی است که امنیت و پایداری جامعه را فراهم می‌کند. پژوهش حاضر با هدف بررسی سرمایه اجتماعی در خانواده و احساس امنیت اجتماعی در بین ساکنان شهر سبزوار صورت گرفته است. جهت تبیین رابطه سرمایه اجتماعی در خانواده و احساس امنیت اجتماعی از نظریه کلمن و ویور استفاده شده است.

این پژوهش با استفاده از روش تحقیق پیمایشی و ابزار پرسش‌نامه ۴۰۰ نفر از ساکنان شهر سبزوار را که در محدوده سنی ۱۸ تا ۶۵ سال قرار گرفته‌اند آزمونکرده است. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای است.

در نمونه تحت مطالعه، توزیع پراکندگی متغیر وابسته پژوهش نشان داد که میانگین کمتر از میانه است و بیشتر پاسخگویان کمتر از میانگین احساس امنیت می‌کنند. به‌علاوه، بیشترین میزان اعتماد، به‌مثابه سرمایه اجتماعی در خانواده، به افراد سال‌خورده و سپس به افراد جوان و میان‌سال اختصاص می‌یابد، که نشان می‌دهد میزان رابطه‌ها و معاشرت‌ها در بین افراد سال‌خورده قوی‌تر از افراد جوان و میان‌سال است.

۱. استادیار جامعه‌شناسی مرکز پژوهشی علوم جغرافیایی و مطالعات اجتماعی، دانشگاه حکیم سبزواری (نویسنده مسئول)
hosseineghodrati@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز
tobashahjehani@yahoo.com

نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن نشان داد که بین میزان اعتماد به افراد جوان و میان سال به منزله مؤلفه‌های ذهنی سرمایه اجتماعی در خانواده و احساس امنیت اجتماعی، رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد، اما بین میزان اعتماد به سال‌خورده‌ها و احساس امنیت اجتماعی رابطه‌ای مشاهده نشد. نتایج دیگر این پژوهش نشان داد که بین میزان معاشرت به منزله مؤلفه عینی سرمایه اجتماعی در خانواده و احساس امنیت اجتماعی رابطه‌ای وجود ندارد.

واژگان کلیدی: احساس امنیت اجتماعی، سرمایه اجتماعی عینی (میزان معاشرت)، سرمایه اجتماعی ذهنی (اعتماد به نسل‌ها).

مقدمه و بیان مسئله

یکی از مفاهیم مهم، پیچیده و جدید در بسیاری از مباحث سیاسی، اجتماعی و اقتصادی امروز، موضوع و مفهوم امنیت است (نادری، جاهد و شیرزاده، ۱۳۸۸: ۶۱). بنا بر نظر راس، انسان همواره بیشتر از آنچه انگیزه‌های اخلاق طبیعی برایش فراهم می‌کند، به نظم نیاز دارد. افراد به تدریج از عامل کندکننده سعادت خود آگاه می‌شوند و خود را تا حدی با ناسازگاری، تضاد و بی‌اعتمادی عمومی روبه‌رو می‌بینند که راه بهره‌گیری مادی و واقعی را بر آنها می‌بندد. نظم بهتر «خواستی همیشگی» می‌شود و اگر چنین خواستی تأمین نشود سرگردانی به بار می‌آید. هنگامی که افراد در توان جمعی خویش ایزاری نیابند که اراده یا وجدان آنها را هدایت کند، دچار سرگردانی شدید می‌شوند (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۷۸: ۱۱۰).

سرمایه اجتماعی را معمولاً مجموعه‌ای از هنجارهای نظم‌بخش اجتماعی خوانده‌اند که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میان اعضایش وجود دارد در آن سهیم‌اند. پیوند اجتماعی، اعتماد، همبستگی گروهی، پایبندی به تعهد و هم‌پارای جزء شاخص‌های اصلی سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند. به این ترتیب، سرمایه اجتماعی به نحوی با نظم اجتماعی متناظر است. افزایش آن به معنیتقویت نظم و کاهش آن حاکی از وجود انحرافات اجتماعی، جرم و جنایت، فروپاشی خانواده، مصرف مواد مخدر، خودکشی و امثال آن است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۲۴۴).

پاتنام از اصطلاح سرمایه اجتماعی درون گروهی^۱ برای انجمن‌هایی استفاده می‌کند که بر انسجام درونیتأکید می‌کنند و سرمایه اجتماعی میان گروهی^۲ را برای اشاره به آن نوع سرمایه

1. Bonding

2. Bridging

اجتماعی به کار می‌برد که به انجمن‌ها کمک می‌کند تا با گروه‌های دیگر و غریبه‌ها در جامعه ارتباط برقرار کنند (تاجبخش، ۱۳۸۵: ۳۳). خانواده واضح‌ترین نمونه سرمایه اجتماعی درون‌گروهی است و سازمان جامعه مدنی، که در عمل و از نظر قانونی درهای آن به روی همه شهروندان باز است، نمونه ناب سرمایه اجتماعی میان‌گروهی است (پاتنام، ۱۳۸۵: ۱۲۷). این دو نوع سرمایه بسیار مهم‌اند، اما جایگزین یکدیگر نمی‌شوند و در جامعه از هم جدا نیستند (فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۱۵۷).

پاکستون^۱ بر این است که می‌توان سرمایه اجتماعی را متشکل از دو بعد دانست: ۱. پیوندهای عینی میان افراد یعنی ساختار شبکه‌ای عینی که افراد را به یکدیگر مرتبط می‌کند. این مؤلفه نشان می‌دهد که افراد در فضای اجتماعی به یکدیگر مربوط‌اند. ۲. نوع ذهنی پیوند یعنی پیوندهای میان افراد باید دارای ویژگی خاصی باشد، دوجانبه، قابل اعتماد و مستلزم جهت‌گیری مثبت (نوابخش و فدوی، ۱۳۸۷: ۳۴). اعتماد بین نهادهای فردی و اجتماعی یکی از مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی است که وسیله‌ای برای کنش متقابل است. جان لاکمعتقد است اعتماد مجموع معاشرت‌ها و پیوندهای جامعه است (سدانو، اگوپلر و پاریز، ۲۰۰۹: ۱۶۴). از دیدگاه مکتب مبادله، مبادله اجتماعی، برخلاف مبادله اقتصادی، بین افراد اعتماد به وجود می‌آورد. همین اعتماد در سطح خرد باعث دوستی و صمیمیت افراد و در سطح کلان موجب انسجام جامعه می‌شود. کلمن معتقد است برقراری اعتماد، امکان‌کنشی را از جانب امین به وجود می‌آورد که در صورت برقرار نشدن اعتماد آن کنش امکان‌پذیر نیست. او از سه نوع نظام اعتماد با عنوان‌های اعتماد متقابل، اعتماد واسطه‌ای و اعتماد شخص ثالث یاد می‌کند (ابراهیمی لویه، ۱۳۸۵: ۶۹). به اعتقاد لوهمان، کارکرد اعتماد در نظام اجتماعی این است که عدم تعیین اجتماعی را کاهش و بدین ترتیب قابلیت پیش‌بینی رفتارها را افزایش می‌دهد. قابلیت پیش‌بینی رفتارها نیز همکاری و مشارکت اعضای جامعه را تقویت می‌کند. اعتماد در واقع سازوکاری اجتماعی است که در آن انتظارات، اعمال و رفتار افراد تنظیم و هدایت می‌شود. چلبی می‌گوید: با شکل‌گیری «ما» بعد عاطفی برجسته می‌شود، افراد نوعی دل‌بستگی عاطفی پیدا می‌کنند و دیگر صرفاً برای رفع نیازهای مادی‌شان با دیگران رابطه برقرار نمی‌کنند، هم‌نوعان خود را رقیب و دشمن خود نمی‌پندارند و از اینکه در میان آنها هستند احساس امنیت می‌کنند و این خود اعتماد میان آنها را تقویت می‌کند (یوسفی، ۱۳۸۳: ۹۲).

1. Paxton
2. Sedano, Aguielera and Paris

اعتماد به نظام‌های انتزاعی مهم‌ترین بخش نظریه گیدنز است که مبین اعتماد افراد به اصول غیرشخصی است و با پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک عصر جدید ارتباط دارد. به اعتقاد گیدنز، برخلاف جوامع سنتی، در جوامع صنعتی و پیشرفته اعتماد به نشانه‌ها و نیز به دانش تخصصی ایجاد می‌شود و پدیده از جاکنندگی یا انتزاع‌بخشی اتفاق می‌افتد. امروزه مردم به دنبال نشانه‌ها هستند و به مارک‌ها توجه می‌کنند، در حالی که نمی‌دانند وسائل و ابزار را چه کسانی ساخته‌اند، کجا ساخته‌اند و... در واقع اهمیت محل از بین رفته است و امور حالت انتزاعی پیدا کرده‌اند و اعتماد به امور انتزاعی تقویت شده است. آنتونی گیدنز اعتماد را به دو شکل مطرح می‌کند: اعتماد به افراد یا نظام‌های انتزاعی که به دو شکل اعتماد اجتماعی و اعتماد مدنی (ذهنی) است و اعتماد به افراد خاص (عینی) که اعتماد بین فردی است (فتحی و شیرین‌بیان، ۱۳۹۱: ۱۵۰). با توجه به نظریه گیدنز، اعتماد به افراد جوان، میان سال و سال خورده مبین اصول غیرشخصی و امری انتزاعی است.

به طور کلی، آنچه از ادبیات روابط نسل‌ها در خصوص رابطه اعتماد و گسست نسلی استنتاج می‌شود این است که اعتماد به عامل جامعه‌پذیری، در واقع نوعی پذیرش متعلقات منبع اعتماد را به دنبال دارد. بی‌اعتمادی نسلی فرزندان به عاملان جامعه‌پذیری، در واقع بی‌اعتمادی به ارزش‌ها، عقاید و احکام آنان است که طردشان را به دنبال دارد (یوسفی، ۱۳۸۳: ۹۲). یا به عبارتی در یک رابطه اعتمادی، بی‌اعتمادی افراد جوان به عاملان جامعه‌پذیری (افراد سال خورده و میان سال) به منزله عدم پذیرش ارزش‌ها و عقاید آنان است و موجب تضعیف روابط اعتمادی بین افراد جوان و عاملان جامعه‌پذیری (افراد سال خورده و میان سال) می‌شود.

روابط بین افراد دوگونه است: رسمی و غیررسمی. روابط می‌تواند شکل‌های مختلفی داشته باشد: رابطه دوستی، مبادله منابع، قرابت مکانی (همسایه‌ها و هم اداره‌ای‌ها)، خویشاوندی. اما در بنیادی‌ترین سطح، اعتقاد بر آن است که دوستی‌های غیررسمی، از طریق افزایش ارتباطات، اطلاعات و حمایت اجتماعی، موجب سرمایه اجتماعی است. افراد می‌توانند از طریق عضویت رسمی در انجمن‌های داوطلبانه به هم مرتبط شوند. انجمن‌های داوطلبانه برای اینکه در طول زمان باقی بمانند به عضوگیری نیاز دارند. همین ویژگی موجب تمایز انجمن‌های داوطلبانه رسمی از انجمن‌های داوطلبانه غیررسمی می‌شود. به دلیل همین ویژگی است که انجمن‌های داوطلبانه رسمی، ورای عضویت افراد خاص می‌یابند. به علاوه، در

شبکه‌های رسمی، افراد، افزون بر منافع حاصل از پیوندهای خود با اعضا، از منافع دیگری که در سطح گروه است نیز بهره‌مند می‌شوند. تراکم^۱ پیوندهای مختلف مانند تعهدات و دوستی‌ها، و دسترسی^۲ به آن‌ها می‌تواند ساختار کلی شبکه‌های افراد و پیوندهای آنان با گروه‌ها را نشان دهد. وانگهی، باید پیوندهای بین افراد در گروه‌های مختلف (مقاطع) اندازه‌گیری شود. این پیوندها نشانه سرمایه اجتماعی مثبت برای اجتماع به‌منزله یک کل است. برای سنجش این پیوندهای متقاطع، بهترین گزینه این است که عضویت‌های چندگانه فرد را در گروه‌های مختلف بسنجیم (پاکستون، ۱۹۹۹: ۱۰۰).

اولریش بک و الیزابت بک-گرنشایم، به بررسی ماهیت پرتلاطم روابط شخصی، ازدواج‌ها و الگوهای خانوادگی در پس‌زمینه دنیای به‌سرعت دگرگون‌شونده فعلی می‌پردازند. بنا به استدلال بک و بک-گرنشایم، سنت‌ها و قواعد و رهنمودهایی که بر روابط شخصی حاکم بوده است دیگر کاربردی ندارد و اکنون افراد با سلسله بی‌پایانی از انتخاب‌ها روبه‌رو هستند که بخشی از بناساختن، تنظیم و تعدیل، بهبودبخشیدن یا خاتمه‌دادن به پیوندهایی است که با یکدیگر تشکیل می‌دهند (گیدنز و بردسال، ۲۰۰۹: ۱۳۹۰).

خانواده مکانی است که سرمایه اجتماعی و منبع اصلی سرمایه اجتماعی برای نسل جوان، به‌ویژه تربیت آنها، را در خود شکل می‌دهد. به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی روابط موجود بین والدین و بچه‌هاست که باید همراه با جهانی‌کردن رفتار اجتماعی در جوانان باشد. اگر ازدواج پیامد مهم سرمایه اجتماعی از طریق تولد و تربیت فرزندان است، روابط خانوادگی شبکه ثانویه چندگانه و امن سرمایه فیزیکی و انسانی است که جامعه برای توسعه به آن نیاز دارد (سدانو، اگیلر و پاریز، ۲۰۰۹: ۱۶۵). گفت‌وگو در خانواده به‌مثابه بعد عینی سرمایه اجتماعی از نقش و اهمیت بسزایی برخوردار است. تارد و لازار معتقدند گفت‌وگو و مذاکره پیش‌درآمد تفاهم است، اما درعین حال پیش‌شرط آن نیز هست. وقتی بین زن و مرد تفاهم برقرار شد، بین آنها اعتماد به وجود خواهد آمد. به‌دنبال اعتماد، همکاری و تعاون بین زوجین برقرار خواهد شد. همکاری زوجین امکان پیشرفت هر دو نفر و بهبود زندگی آنها را از همه نظر فراهم خواهد کرد. با توجه به این استدلال، گفت‌وگو نه تنها در سطح نهاد کوچکی مانند خانواده، بلکه در سطح کلان جامعه نیز برای کم‌شدن تفاوت‌ها و اختلاف‌ها، و سپس پیشرفت، بسیار مؤثر است (منادی، ۱۳۸۵: ۷۷).

1. Density
2. Reach
3. Sedano, Aguilera and Paris

اهمیت توجه به احساس امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی از این جهت است که امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی با یکدیگر متناظرند و نبود هر یک مبین نابهنجاری، انحراف، آسیب اجتماعی و اختلال در نظام کارکردی نهادهای مختلف در جامعه است (صدیق سروسنایی، ۱۳۸۷: ۲۴۸). تغییر و تحول در نظام هنجارهای اجتماعی، چنان شتابان بوده که بوی زوال برخی نهادها و سازمان‌های اجتماعی مانند خانواده برخاسته است. افزایش طلاق، افزایش خانواده‌های تک‌والد و افزایش تولد کودکان نامشروع نشانه‌های محکم چنین زوالی‌اند (همان، ۲۴۵). به‌علاوه، کارکرد درونی خانواده (معاشرت‌ها و اعتماد به یکدیگر) مهم است. این کارکرد، جدا از فضای بیرونی، یعنی جامعه و نهادهای مختلف اجتماعی، نمی‌تواند وجود داشته باشد، زیرا از عوامل بیرونی نیز متأثر است؛ یعنی خانواده‌ها نمی‌توانند جدا از جامعه زندگی کنند. جوامع همیشه در حال تغییر بوده و هستند، درحالی‌که اندازه و شدت تغییرات متفاوت است و تغییرات بیشتر و عمیق‌تری نیز در همه جنبه‌های زندگی رخ داده است. عصر حاضر یا عصر ارتباطات نیز شتاب بیشتری به این تغییرات داده و باعث شده است که تفاوت یا تضاد فکری و رفتاری بین نسل‌های مختلف جامعه جریان داشته باشد. بنابراین پژوهش در زمینه خانواده به‌منزله منبع سرمایه اجتماعی، به‌منظور ایجاد نظم و امنیت در جامعه مهم و ضروری است.

این مقاله به دنبال پاسخگویی به این پرسش‌هاست که الف) میزان احساس امنیت اجتماعی و هر یک از ابعاد آن در جامعه پژوهش چقدر است؟ ب) آیا میزان معاشرت به‌مثابه مؤلفه عینی سرمایه اجتماعی در خانواده رابطه معنی‌داری با احساس امنیت اجتماعی دارد؟ ج) آیا اعتماد به افراد گوناگون، مانند اعتماد به افراد جوان، اعتماد به افراد میان‌سال و اعتماد به سال‌خورده‌ها به‌منزله مؤلفه‌های ذهنی سرمایه اجتماعی در خانواده رابطه معنی‌داری با احساس امنیت اجتماعی دارد؟

اهداف تحقیق

هدف کلی این تحقیق بررسی رابطه سرمایه اجتماعی در خانواده و احساس امنیت اجتماعی در بین ساکنان شهر سبزوار است. اهداف جزئی این مطالعه عبارت است از: الف) شناخت رابطه مؤلفه عینی سرمایه اجتماعی (میزان معاشرت) در خانواده و احساس امنیت اجتماعی. ب) شناخت رابطه مؤلفه‌های ذهنی سرمایه اجتماعی (اعتماد به جوانان، اعتماد به میان‌سالان، اعتماد به افراد سال‌خورده) احساس امنیت اجتماعی.

پیشینه تحقیق

درباره رابطه بین سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی مطالعات بسیاری داخل و خارج از کشور صورت گرفته است که برخی مستقیماً به رابطه بین این دو متغیر پرداخته‌اند و تمرکز اصلی‌شان بر همین پیوند بوده است و برخی دیگر به این رابطه اشاره‌ای کرده‌اند. اگرچه تعیین‌کننده‌های متغیر امنیت اجتماعی متعدّدند و براساس چارچوب‌های نظری، موضوع، مسئله و زمینه بررسی می‌توان به آن پرداخت، در دهه‌های اخیر اهمیت سرمایه اجتماعی و تعیین‌کنندگی آن در بسیاری پدیده‌های اجتماعی، از جمله امنیت، برجسته شده است. در ادامه به مرور پژوهش‌های انجام‌شده در این حیطه می‌پردازیم.

از جمله پژوهش‌های داخلی که به رابطه سرمایه اجتماعی و امنیت پرداخته‌اند می‌توان به ردادی (۱۳۸۷)، نادری و همکاران (۱۳۸۸)، نبوی و همکاران (۱۳۸۹)، دلاور و جهانتاب (۱۳۹۰)، ذاکری هامانه و همکاران (۱۳۹۱)، هزارجریبی و یاری (۱۳۹۱) و فقهی فرهمند و زنجانی (۱۳۹۲) اشاره کرد. از میان پژوهش‌های خارجی هم می‌توان از مطالعه فوکویاما (۱۹۹۵)، کلمن (۲۰۰۲)، هامادا و تاکائو (۲۰۰۸)، پوپوا (۲۰۱۲) و ریچارد (۱۳۸۵) یاد کرد.

مطالعات پیشین برای تبیین احساس امنیت اجتماعی اهمیت متغیرهای روابط اجتماعی (نادری و همکاران، ۱۳۸۹؛ دلاور و جهانتاب، ۱۳۹۰) و شبکه‌های اجتماعی (ذاکری هامانه و همکاران، ۱۳۹۱؛ فقهی فرهمند و زنجانی، ۱۳۹۲؛ دلاور و جهانتاب، ۱۳۹۰) را به‌منزله مؤلفه‌ای از سرمایه اجتماعی تأکید کرده‌اند و در آزمون فرضیه‌ها این رابطه تأیید شده است؛ به‌نحوی که با افزایش این متغیرها احساس امنیت نیز افزایش می‌یابد. از این‌رو تحقیقات یادشده آموزش ایجاد ارتباط اجتماعی در مدرسه و نهادهای آموزشی دیگر و نیز فراهم کردن زمینه افزایش سرمایه اجتماعی را به برنامه‌ریزان و مجریان پیشنهاد می‌کنند.

از دیگر متغیرهای تحت بررسی در پژوهش‌ها می‌توان به مشارکت اجتماعی (نادری و همکاران، ۱۳۸۸؛ فقهی فرهمند و زنجانی، ۱۳۹۲) یا گرایش به آن (نبوی و همکاران، ۱۳۸۹) اشاره کرد. این متغیر نیز تأثیر مثبت و فزاینده‌ای بر احساس امنیت پاسخگویان دارد و تحقیقات پیشین رابطه آن را با امنیت اجتماعی تأیید کرده‌اند. مشارکت اجتماعی موجب ایجاد حس تعلق و هویت مشترک فرد با جامعه می‌شود؛ به‌طوری‌که فرد احساس می‌کند باقیه شهروندان سرنوشت مشترکی دارد و از این طریق بر احساس امنیت او افزوده می‌شود. متغیر اعتماد نیز به‌مثابه مؤلفه مهم سرمایه اجتماعی رابطه مثبتی با احساس امنیت داشته است. این رابطه در همه پژوهش‌های یادشده به‌جز مطالعه نبوی و همکاران (که متغیر اعتماد را بررسی نکرده‌اند) مشاهده شده است.

هنجارها نیز در حیطه اجتماع (ذاکری هامانه و همکاران، ۱۳۹۱) یا در حوزه دین (ردادی، ۱۳۸۷) با احساس امنیت مرتبط دانسته شده‌اند. به گفته محققان هنجارهای اجتماعی موجب افزایش روابط و اعتماد در میان مردم می‌شوند و بر احساس امنیت آنها می‌افزایند. برخی پژوهش‌ها (نبوی و همکاران، ۱۳۸۹) به تأثیر منفی احساس محرومیت نسبی در جامعه، بر احساس امنیت اجتماعی اشاره و رابطه این دو متغیر را تأیید کرده‌اند. در باب متغیرهای زمینه‌ای نیز اکثر پژوهش‌ها رابطه معنی‌داری بین جنسیت و احساس امنیت گزارش نکرده‌اند (هزار جریبی و یاری، ۱۳۹۱؛ دلاور و جهانتاب، ۱۳۹۰)، اما پژوهش نادری و همکاران (۱۳۸۸) تفاوت معنی‌داری را به نفع مردان گزارش کرده است؛ به این معنا که میانگین احساس امنیت مردان از زنان بیشتر است. بین سن و احساس امنیت نیز رابطه مثبتی گزارش شده است؛ به نحوی که با افزایش سن بر احساس امنیت افراد افزوده می‌شود (هزار جریبی و حامد، ۱۳۹۱؛ دلاور و جهانتاب، ۱۳۹۰). متغیر تحصیلات نیز با متغیر وابسته گاه رابطه مثبت (دلاور و جهانتاب، ۱۳۹۰) و گاه منفی (هزار جریبی و یاری، ۱۳۹۱) نشان داده است که البته تبیین این تفاوت با زمینه و مکان مطالعه و نحوه سنجش متغیر امنیت ارتباط دارد.

پژوهش‌های خارجی بر حوزه‌های خاص‌تری تمرکز کرده‌اند: فوکویاما (۱۹۹۵) اعتماد را مؤلفه‌ای از سرمایه اجتماعی، واسطه بین امنیت شغلی و بازدهی کار می‌داند که با افزایش آن، کارآمدی افراد در جایگاه‌های شغلی برای مؤسسه‌ها و بنگاه‌های اقتصادی افزایش می‌یابد. کلمن در پژوهش خود (۲۰۰۲) با تمرکز بر تجارت الماس در آمریکا که تحت سلطه خانواده‌های یهودی است به این نتیجه رسید که پیوندهای اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی یهودیان موجب شکلی از احساس امنیت است که مبادله را تسهیل می‌کند و هزینه‌ها و مخاطرات مبادله را می‌کاهد. مطالعه پوپوا (۲۰۱۲: ۱) در بوسنی و هرزگوین به نقش سرمایه اجتماعی در سطح کلان جامعه می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که سرمایه اجتماعی سازوکاری فراهم می‌کند که قادر است کارکرد و نظم را در هر نظام اجتماعی بهبود بخشد و اگر سرمایه اجتماعی در سطح کلان با سرمایه اجتماعی در سطح خرد متناسب و مرتبط نباشد، نظام دچار ناامنی، ناتوانی و سقوط می‌شود. بنابراین از نظر پوپوا، سرمایه اجتماعی در یک واحد سیاسی عامل مهمی برای امنیت تلقی می‌شود. هامادا و تاکائو (۲۰۰۸) در ژاپن در باب وجوه سیاسی سرمایه اجتماعی برای امنیت اجتماعی ژاپن، دریافتند که جامعه ژاپن باید از روابط بسته به سمت افزایش سرمایه اجتماعی عام به معنای اعتماد تعمیم‌یافته بیشتر به غریبه‌ها تغییر کند. بررسی رز (۱۳۸۵: ۵۹۵) در جامعه روسیه، که به تعبیر او جامعه‌ای

ضدمدرن است، نشان می‌دهد که درباب شبکه‌ها، پدیده‌ای به نام "زیادگی" رخ می‌دهد. بدین‌معنا که مردم برای رفع نیازهای خود مجبورند به شبکه‌های زیادی روی بیاورند تا در صورت شکست در رابطه با یک شبکه، به شبکه دیگر پناه ببرند. این احساس ناامنی حاصل آن است که شبکه‌ها فاقد کارکرد اتوماتیک و کارآمدی لازم هستند. به همین دلیل است که بیش از سه پنجم روس‌ها احساس ناامنی شغلی دارند و نگران ازدست‌دادن حرفه خود هستند.

مبانی نظری پژوهش

دورکیم: از دیدگاه دورکیم، همبستگی یا نحوه جذب فرد در اجتماع مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده خلاق در جامعه است. با این حال عنصر اصلی تداوم حیات اجتماعی، نظم اخلاقی، شامل مجموعه‌ای از قواعد است که بر روابط اجتماعی حکم فرماست. بنابراین، همبستگی اجتماعی پدیده‌ای اخلاقی و معنوی است که نمود عینی نظم اخلاقی است؛ بنابراین، امنیت معلول نظم اخلاق یا اخلاقیات مشترک است، به‌گونه‌ای که با حضور ارزش‌ها و باورهای مشترک، به همان نسبت که پیوند و علقه‌های جمعی افزایش می‌یابد، امکان تعدی به حقوق دیگران و تجاوز به مال و جان آنها کاهش پیدا می‌کند. از این‌رو می‌توان در رویکرد دورکیم وضعیتی را توصیف کرد که در آن همبستگی اجتماعی وجود داشته باشد و افراد به جهت پایبندی به مجموعه‌ای از عقاید و احساسات مشترک، ملزم به رعایت حق و حقوق دیگران باشند. دورکیم امنیت را در گرو همبستگی جامعه می‌داند و بر مقررات و قواعدی تأکید می‌کند که خطر آزاررساندن افراد به یکدیگر را کاهش دهد، حقوق دیگران را رعایت و امیال و خواست‌های افراد را مهار کند. بدین‌سان، قوانین و مقررات با ایجاد نظم حقوقی، تکالیف افراد را مشخص می‌کنند تا افراد به‌لحاظ وابستگی به جامعه و به یکدیگر، خود را موظف سازند تا حدود یکدیگر را رعایت کنند. به‌این‌ترتیب دیگر به قوای قهری و بیرونی که هزینه‌های جامعه را نیز افزایش می‌دهد نیازی نیست (صالحی امیری و افشاری نادری، ۱۳۸۹: ۵۸). بیان دورکیم درباره نظم اخلاقی، مبتنی بر نمود عینی روابط و معاشرت‌هاست. به‌گونه‌ای که با افزایش پیوندها میان افراد، از میزان آزاررساندن افراد به یکدیگر کاسته خواهد شد. بنابراین، دورکیم امنیت را معلول اخلاقیات مشترک، یا به عبارتی، همنشینی و معاشرت با دیگران می‌داند.

فوکویاما: از دیدگاه فوکویاما، نظم اجتماعی با سرمایه اجتماعی متناظر است و فقدان آن عین ناپهنجاری و پیامد حضور شدید و پرشتاب انحرافات اجتماعی، و فروپاشی بزرگ نهادهای اجتماعی مهمی چون خانواده است (صدیق‌سروستانی، ۱۳۸۷: ۲۴۸). به نظر او، تاریخ

زندگی بشر، تاریخ تغییر و تحول در نظام هنجارهای اجتماعی است. روند این تغییر با صنعتی شدن جوامع شدت گرفته و در پاره‌ای موارد چنان شتابان بوده که بوی زوال برخی نهادها و سازمان‌های اجتماعی مانند خانواده برخاسته است (همان، ۲۴۵).

کلمن: چارچوب نظری کلمن جایگاهی برتر به خانواده به عنوان شکل برتر آنچه سازمان اجتماعی «بدوی» می‌نامد می‌دهد که این سازمان به خاطر این حقیقت که ریشه‌های آن در روابط ایجادشده از طریق تولد نوزاد نهفته است، متمایز می‌گردد. کلمن این نهاد را با اشکال ساخته‌شده سازمان اجتماعی که ممکن است اعضای آن برای اهداف محدودی گرد هم جمع شوند و کنترل اجتماعی در آن از اشکال بدوی چون خانواده باشد مقایسه کرد. کلمن باور داشت که اضمحلال خانواده و دیگر اشکال سازمان بدوی به انتقال مسئولیت جامعه‌پذیری اولیه به سازمان‌های ساخته‌شده‌ای از قبیل مدرسه منجر می‌شود. از نظر کلمن، خویشاوندی به طور عام و خانواده به طور خاص، پایه مهم جامعه است (فیلد، ۱۳۸۸: ۴۷).

گارفینکل: روش‌شناسی مردمی بر این است که "نظم اجتماعی" و ریشه و علل آن را نه در قوانین و نظام‌های کلی حاکم بر جامعه، بلکه در کنش‌های عادی و روزمره مردم و تصویری که از آن دارند باید جست؛ چه، مردم در روابط خود از شیوه‌های قابل فهم استفاده می‌کنند، توانایی کنش متقابل را به دست می‌آورند، آن را به کار می‌گیرند و هیچ نظم واقعی از پیش تعیین شده‌ای را در نظر نمی‌گیرند. در واقع، در دیدگاه روش‌شناسی مردمی، آنچه جامعه را به صورت مجموعه‌ای به هم پیوسته درمی‌آورد، ارزش‌ها، هنجارها و مبادله نقش‌ها نیست، بلکه روش‌هایی است که مردم از طریق آنها فرض وجود نظم و واقعیت اجتماعی را می‌پذیرند. به عبارت دیگر، نظم از طریق ذهنیت افراد مشارکت‌کننده در تعامل به وضعیت‌ها داده می‌شود و پدیده‌ای عینی و خارجی نیست. نکته اصلی این است که افراد چگونه به کنش متقابل می‌پردازند. روش‌شناسان مردمی، به جای مطالعه قواعد رفتار و اصول حاکم بر روابط اجتماعی، به جست‌وجو و درک شیوه‌های عملی می‌پردازند که مشارکت‌کنندگان در کنش اجتماعی از لحاظ زبانی آن شیوه‌ها را به کار می‌برند. نظم در بطن هر جریان اجتماعی نهفته است و امری خارجی نیست. زبان نیز در این میان نقش مهمی ایفا می‌کند؛ زیرا در برداشت‌های ذهنی ما از روابط اجتماعی نقش مهمی دارد (توسلی، ۱۳۸۸: ۴۴۱ و ۴۴۴). گارفینکل نظم و امنیت را معطوف به ذهنیت افراد می‌داند، بدین معنی که اگر فردی در کنش‌های روزمره خود و تعاملات متقابل به وضعیتی نامتعادل پی‌ببرد، نوعی احساس بی‌اعتمادی و خطر به فرد دست می‌دهد و احساس ناامنی می‌کند. در این صورت، از میزان تعامل خود با فرد متقابل خواهد کاست.

چارچوب نظری

کلمن معتقد است خانواده از اندک سازمان‌های باقیمانده جامعه است که نسل‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهد. بنابراین جزو اندک سازمان‌هایی است که در آنها سرمایه اجتماعی افراد بالغ، برای کودکان و نوجوانان هم قابل استفاده است. کلمن تمایل داشت خانواده را کلاف قدیمی سرمایه اجتماعی تصور کند (فیلد، ۱۳۸۸: ۴۷ و ۴۸). از نظر کلمن، سرمایه اجتماعی به طور خاصی از طریق پیوندهای نخستین مثل خویشاوندی بروز می‌کند. ریشه‌های مؤثرترین اشکال سرمایه اجتماعی به دوران کودکی برمی‌گردد. بنابراین کلمن بر این باور است که سرمایه اجتماعی به واسطه فرآیندهایی که پیوندهای خویشاوندی را از بین می‌برند، از جمله طلاق و جدایی یا مهاجرت، که موجب احساس ناامنی برای اعضای خانواده هستند، تضعیف می‌شود. وقتی خانواده‌ها شبکه‌های فعلی خویشاوندی، دوستی و تماس‌های خود را کنار می‌گذارند، ارزش سرمایه اجتماعی‌شان کاهش پیدا می‌کند (همان، ۱۸۲). از نظر کلمن، سرمایه اجتماعی متضمن شبکه‌های مبتنی بر اعتماد و ارزش‌های مشترک است (همان، ۳۸). با توجه به اینکه افراد و خانواده‌ها به صورت ساختاری و صمیمانه از طریق خویشاوندی و قومیت با هم متصل می‌شوند و ظرفیت فزاینده‌ای برای کنش تعاونی ایجاد می‌کنند، خانواده به منزله منبع پیونددهنده نسلی، هم قابلیت اعتماد را به وجود می‌آورد و هم معاشرت‌ها و رابطه‌ها را قوی‌تر می‌کند. مطابق نظریه کلمن، با افزایش میزان اعتماد و معاشرت‌ها (سرمایه اجتماعی) در درون شبکه‌های نسلی و خانوادگی، احساس امنیت اجتماعی افزایش می‌یابد و با کاهش اعتماد و معاشرت‌ها (سرمایه اجتماعی) از احساس امنیت اجتماعی کاسته می‌شود.

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- بین همنشینی و صحبت با افراد در خانواده و احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۲- بین اعتماد به افراد جوان و احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۳- بین اعتماد به افراد میان‌سال و احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۴- بین اعتماد به سال‌خورده‌ها و احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

روش پژوهش حاضر پیمایش است. برای گردآوری داده‌ها از ابزار پرسش‌نامه استفاده شد. اعتبار پرسش‌نامه اعتبار صوری است که با مشورت استادان و متخصصان علوم اجتماعی تأمین شده است. برای دستیابی به پایایی مقبول، با انجام پیش‌آزمون با نمونه‌ای ۳۰ نفری و با

استفاده از آماره آلفای کرونباخ، هم‌سازی گویه‌ها و سازگاری درونی پرسش‌نامه تأمین شد. مقدار ضرایب آلفای کرونباخ برای گویه‌های مربوط به احساس امنیت اجتماعی ۰/۸، و برای بعد ذهنی سرمایه اجتماعی ۰/۷۲ است که مقداری پذیرفتنی تلقی می‌شود. بعد عینی نیز با یک پرسش به صورت فاصله‌ای سنجیده شده است.

جامعه آماری این تحقیق عبارت است از تمام ساکنان شهر سبزوار که در محدوده ۱۸ تا ۶۵ سال قرار می‌گیرند. براساس سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰، تعداد کل جمعیت شهر سبزوار ۲۳۱۵۵۷ نفر بوده است که از این تعداد ۱۵۷۲۶۶ نفر در فاصله ۱۸ تا ۶۵ سال قرار گرفته‌اند. حجم نمونه براساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر است که در نهایت ۴۰۰ پرسش‌نامه تکمیل شده است. شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و واحد تحقیق فرد است. پس از گردآوری داده‌ها، اطلاعات کدگذاری و با استفاده از نرم‌افزار اس. پی. اس. تحلیل شد.

تعریف مفاهیم

احساس امنیت اجتماعی: این مفهوم به معنای نبود نگرانی خاص در مواجهه با امور مربوط به زندگی اجتماعی است. منظور احساس امنیت در ابعاد جانی، محیطی، اقتصادی و اجتماعی (آبرو و حیثیت) در جامعه است که برای سنجش هر بعد از یک گویه در پرسش‌نامه استفاده شده است. سه گویه از پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۸۲): ۱۹۱-۱۹۰ (۱۹۰) اخذ شده است. یک گویه نیز برگرفته از پژوهش کمالی (۱۳۸۳) است.

سرمایه اجتماعی: سرمایه اجتماعی چیزی است که در روابط یا شبکه‌های خود با دیگر افراد داریم. سرمایه اجتماعی در افراد و در ابزار فیزیکی تولید قرار ندارد (ردادی، ۱۳۸۷: ۱۸۸). اعتماد، که مهم‌ترین شاخص سرمایه اجتماعی است، سازوکاری برای ایجاد انسجام و وحدت در نظام‌های اجتماعی و تسهیل‌کننده مشارکت، تعاون اجتماعی و پرورش ارزش‌های مردم‌سالار است. در نوشته‌های جامعه‌شناسان مفهوم اعتماد اجتماعی به‌مثابه ویژگی افراد و ویژگی نظام اجتماعی، با تأکید بر رفتار مبتنی بر تعاملات و سوگیری‌ها در سطح فردی مفهوم‌سازی شده است (ابراهیمی لویه، ۱۳۸۵: ۶۶). ملینجر اعتماد را مفهومی می‌داند که شامل اطمینان به مقاصد و انگیزه‌های طرف مقابل و یکرنگی و صمیمیت در اعمال و گفتار او است (یوسفی، ۱۳۸۳: ۹۱). سرمایه اجتماعی در دو بعد عینی و ذهنی سنجیده شده است. منظور از بعد عینی، صحبت و هم‌نشینی با افراد (میزان معاشرت) در خانواده‌هاست. برای سنجش این بعد از سرمایه اجتماعی، از یک سؤال در پرسش‌نامه با محتوای تعداد ساعت‌های

معاشرت و هم‌نشینی با اعضای خانواده گنجانده شده است که به‌منظور انجام آزمون همبستگی اسپیرمن به یک گویه در قالب طیف پنج قسمتی لیکرت سنجیده شده است. منظور از بعد ذهنی، اعتماد به افراد است که برای سنجش این بعد از سرمایه اجتماعی، از سه‌گویه اعتماد به جوانان، اعتماد به میان‌سالان و اعتماد به سال‌خورده‌ها در پرسش‌نامه استفاده شده است.

یافته‌ها

سیمای پاسخگویان: ۴۷/۵ درصد نمونه تحت بررسی مرد و ۵۲/۵ درصد زن هستند. میانگین تحصیلات نمونه برابر با ۱۱/۰۵ کلاس است. از نظر وضع تأهل ۲۹/۳ درصد از پاسخگویان مجرد، ۶۹/۳ درصد متأهل و حدود ۱/۵ درصد بیوه یا مطلقه‌اند. ۴۵/۸ درصد افراد شاغل‌اند و ۵۴/۲ درصد شاغل نیستند. از نظر محل تولد، ۷۴ درصد از پاسخگویان در شهر و ۲۶ درصد در روستا متولد شده‌اند.

با توجه به جدول ۱، توزیع پراکندگی متغیر وابسته پژوهش نرمال است. نمره میانگین میزان احساس امنیت ۱۱/۲۹ است و حداقل ممکن ۴ و حداکثر ۲۰ به دست آمده است. با توجه به اینکه میانگین کمتر از میانه است، می‌توان دریافت که اکثر پاسخگویان کمتر از میانگین احساس امنیت می‌کنند.

جدول ۱. توزیع پراکندگی متغیر احساس امنیت اجتماعی

متغیر	تعداد	میانه	میانگین	انحراف معیار	ضریب چولگی	ضریب کشیدگی	حداقل	حداکثر
احساس امنیت اجتماعی	۴۰۰	۱۲	۱۱/۲۹	۳/۱۶	-۰/۰۶	-۱/۱۵	۴	۲۰

جدول ۲ شاخص‌های مرتبط با گویه‌های مربوط به متغیر احساس امنیت اجتماعی و توزیع فراوانی و درصد پاسخ‌ها را درباره گویه‌های چهارگانه نشان می‌دهد. در این جدول به‌منظور تلخیص بهتر داده‌ها طبقات خیلی کم و کم با هم و طبقات زیاد و خیلی زیاد باهم تلفیق شدند. چنان‌که مشاهده می‌شود، بالاترین میانگین (۳/۳) مربوط به احساس امنیت جانی است. در مرحله بعد، امنیت مربوط به آبرو و حیثیت اجتماعی (۲/۹) قرار دارد و کمترین میانگین مربوط به احساس امنیت محیطی (۲/۴) است. از آنجاکه حفظ جان افراد از نظر اهمیت در درجه اول قرار دارد، این یافته منطقی به نظر می‌رسد، اما اینکه میانگین احساس

امنيت مالی کمتر از آبرو و حيثيت اجتماعی است، شايد به دليل آن باشد که احساس امنيت مالی تحت تأثير احساس امنيت محيطی است که کمترین میانگين را دارد. تجربه‌هایی مانند سرقت اموال در فضای عمومی گویای این امر است.

چنان که درباره گویه اول مشاهده می‌شود، بیشترین درصد پاسخگویان (۴۷/۸ درصد) احساس امنيت کمی ابراز کرده‌اند، حال آنکه فقط ۱۷ درصد آنها از احساس امنيت زیادی برخوردار بوده‌اند. در باب گویه دوم-آبرو و حيثيت اجتماعی- بیشترین درصد مربوط به گزینه متوسط (۳۸درصد) و در مرحله بعد گزینه پایین (۳۶ درصد) است و فقط ۲۶درصد احساس امنيت زیادی ابراز کرده‌اند. در زمینه احساس امنيت مالی نیز وضع به همین منوال است، به طوری که اکثر افراد در سطح متوسط و پایین قرار می‌گیرند و فقط ۱۷ درصد احساس امنيت مالی زیادی دارند. تنها استثنا بر این قاعده مربوط به احساس امنيت جانی است که در سطح متوسط و بالاست. از آنجاکه امنيت به طور کلی نیازی مبنایی است، چنین نتیجه‌ای به معنای مطلوب بودن شرایط نیست؛ چرا که می‌توان گفت باز هم حدود ۱۹ درصد پاسخگویان احساس امنيت جانی کمی دارند، که این موضوع نیز موجب نگرانی است.

جدول ۲. شاخص‌ها، توزیع فراوانی و درصد پاسخ‌ها برای طبقات سه‌گانه گویه‌های احساس امنيت

گويه‌ها	میانگين	میانۀ	انحراف معيار	طبقات گويه‌ها	فراوانی	درصد
هنگامی که در شب در شهر قدم می‌زنید تا چه حد احساس امنيت می‌کنید؟	۲/۴۴	۳	۱/۱۶	کم	۱۹۱	۴۷/۸
				متوسط	۱۴۱	۳۵/۲
				زیاد	۶۸	۱۷
				کل	۴۰۰	۱۰۰
تا چه حد احساس می‌کنید آبرو و حيثيت اجتماعی شما محترم شمرده می‌شود؟	۲/۸۶	۳	۱/۱۴	کم	۱۴۳	۳۶
				متوسط	۱۵۱	۳۸
				زیاد	۱۰۳	۲۶
				کل	۳۹۷	۱۰۰
تا چه اندازه احساس امنيت اقتصادی و مالی می‌کنید؟	۲/۷	۳	۰/۹۵	کم	۱۳۸	۳۴/۷
				متوسط	۱۹۱	۴۸
				زیاد	۶۹	۱۷/۳
				کل	۳۹۸	۱۰۰
تا چه اندازه امنيت جانی افراد در جامعه ما تأمین می‌شود؟	۳/۲۹	۳	۱/۰۶	کم	۷۵	۱۸/۸
				متوسط	۱۴۷	۳۶/۸
				زیاد	۱۷۷	۴۴/۴
				کل	۳۹۹	۱۰۰

جدول ۳، شاخص‌ها و درصد پاسخ‌ها را برای طبقات سه‌گانه گویه‌های اعتماد به نسل‌ها در خانواده نشان می‌دهد. بیشترین اعتماد با میانگین $3/9$ به نسل مسن و کمترین آن به نسل جوان با میانگین $2/6$ ابراز شده است. بالاتر بودن مقدار میانگین از میانه درباره نسل مسن و میان‌سال به معنای آن است که اعتماد بیش از پنجاه درصد از نمونه، کمتر از سطح میانگین است. این یافته‌ها مبین این است که رابطه‌ها و معاشرت‌ها در بین افراد سال‌خورده و مسن، قوی‌تر از افراد جوان و میان‌سال است و هرچه از نسل مسن به جوان نزدیک می‌شویم، از ارزش رابطه‌ها و معاشرت‌ها در بین افراد کاسته می‌شود. بنابراین، در جامعه تحت مطالعه، سرمایه اجتماعی درون‌گروهی رو به کاهش است که ممکن است ناشی از ناپدید شدن بیابرد. از نظر اعتماد به سه گروه سنی، چنان‌که داده‌های جدول نشان می‌دهد، تنها $15/4$ درصد پاسخگویان اعتماد بالایی به افراد جوان ابراز کرده‌اند، حال آنکه درباره میان‌سال‌ها، $48/6$ درصد و درباره افراد مسن، $67/6$ درصد پاسخگویان اعتماد زیادی ابراز کرده‌اند. این موضوع نشان‌دهنده روند نزولی سرمایه اجتماعی در جامعه است. به نحوی که هرچه از نسل مسن به نسل جوان نزدیک می‌شویم، شاهد کاهش این سرمایه هستیم. این نکته هنگامی برجسته‌تر می‌شود که بدانیم اکثر جامعه تحت مطالعه جوان هستند.

جدول ۳. شاخص‌ها و درصد پاسخ‌ها برای طبقات سه‌گانه گویه‌های اعتماد به نسل‌ها در خانواده

گویه‌ها	میانگین	میانه	انحراف معیار	طبقات گویه‌ها	درصد
اعتماد به افراد جوان	2/59	3	1/07	کم	42/1
				متوسط	42/5
				زیاد	15/4
				کل	100
اعتماد به افراد میان‌سال	3/52	3	0/95	کم	9/6
				متوسط	41/8
				زیاد	48/6
				کل	100
اعتماد به افراد مسن	3/90	3	0/99	کم	8/3
				متوسط	24/1
				زیاد	67/6
				کل	100

آزمون فرضیه‌ها

جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش، از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد. آزمون رابطه بین متغیرهای مستقل و احساس امنیت اجتماعی در جدول ۴ آمده است. داده‌ها نشان می‌دهد که رابطه متغیرهای اعتماد به جوانان و میان‌سالان با احساس امنیت اجتماعی مثبت و معنادار است، اما بین اعتماد به سال‌خورده‌ها و امنیت اجتماعی رابطه‌ای وجود ندارد. بین متغیر میزان معاشرت و احساس امنیت اجتماعی هم رابطه‌ای مشاهده نمی‌شود.

جدول ۴. آزمون ضرایب همبستگی متغیرهای مستقل و وابسته

امنیت اجتماعی	متغیر مستقل			ابعاد سرمایه اجتماعی در خانواده
	R	همنشینی و صحبت با افراد خانواده	بعد عینی سرمایه اجتماعی در خانواده (میزان معاشرت)	
۰/۰۷	R	اعتماد به افراد جوان	بعد ذهنی سرمایه اجتماعی در خانواده (اعتماد به افراد)	
۰/۲۱۲	Sig			
۰/۲۰۵	R	اعتماد به افراد میان‌سال	بعد ذهنی سرمایه اجتماعی در خانواده (اعتماد به افراد)	
۰/۰۰۰	Sig			
۰/۱۴۷	R	اعتماد به سال‌خورده‌ها	بعد ذهنی سرمایه اجتماعی در خانواده (اعتماد به افراد)	
۰/۰۰۴	Sig			
۰/۰۱۴	R			
۰/۷۸۳	Sig			

بحث و نتیجه‌گیری

نهاد خانواده در جامعه ایرانی عموماً از کانون گرمی بهره می‌برد و دارای کارکردهای متنوعی در شئون مختلف اجتماعی از جمله امنیت است. ممکن است گفته شود نهادهای اجتماعی و از جمله نهاد خانواده در حوزه امنیت‌سازی نقش واسطه‌دارند (زمانی، ۱۳۸۶: ۶۶). اما در عین حال، خانواده از طریق روابط درونی نسل‌ها و معاشرت‌های خانوادگی سرمایه اجتماعی تولید می‌کند و نقش تعیین‌کننده‌ای در برطرف کردن نیازهای رفاهی انسان ایفا می‌کند. در این پژوهش با استفاده از روش پیمایش به بررسی وضعیت اعتماد به نسل‌ها و معاشرت‌های خانوادگی به‌منزله مؤلفه‌های ذهنی و عینی سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی پرداختیم. بدین منظور نمونه‌ای ۴۰۰ نفری از افراد در محدوده سنی ۱۸-۶۵ سال

تحت مصاحبه قرار گرفتند. متغیر وابسته پژوهش احساس امنیت اجتماعی است که با چهاربعد امنیت محیطی، جانی، مالی و آبرو و حیثیت اجتماعی سنجیده شده است. متغیرهای مستقل آزمون عبارتند از اعتماد به افراد (اعتماد به افراد جوان، میان سال و سال خورده) و میزان معاشرت.

آمار توصیفی پژوهش نشان می‌دهد که بیشترین احساس امنیت اجتماعی مربوط به امنیت جانی و سپس امنیت آبرو و حیثیت و مؤلفه‌های مالی و اقتصادی است. کمترین میزان به امنیت محیطی اختصاص می‌یابد. توزیع پراکندگی پژوهش مبین این است که میزان احساس امنیت اجتماعی در نمونه پایین‌تر از میانگین است. درباب مؤلفه اعتماد به افراد نیز، به‌مثابه بعد ذهنی سرمایه اجتماعی در خانواده، می‌توان گفت بیشترین میزان اعتماد به افراد سال خورده و مسن اختصاص می‌یابد و امروزه از میزان روابط و معاشرت‌ها در بین خانواده‌های جوان و میان سال کاسته شده است. این موضوع روند نزولی سرمایه اجتماعی در جامعه را نشان می‌دهد. به نحوی که هرچه از نسل مسن به نسل جوان نزدیک می‌شویم شاهد کاهش این سرمایه هستیم.

آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن نشان داد که بین اعتماد به جوانان و میان سالان به‌مثابه مؤلفه‌های ذهنی سرمایه اجتماعی با میزان احساس امنیت اجتماعی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

اندیشه‌های نظری از جمله نظریه گارفینکل تأیید کرده و بر این باور است که نظم و امنیت معطوف به برقراری رابطه‌های ذهنی افراد از جمله اعتماد به دیگران است. اندیشه نظری فوکویاما نیز تأییدی بر این نکته است که فقدان سرمایه اجتماعی در خانواده ناامنی به بار می‌آورد و پیامد آن فروپاشی نهاد اجتماعی مهمی چون خانواده است. بنابر نظر دورکیم نیز سرمایه اجتماعی موجب امنیت اجتماعی می‌شود. بیان دورکیم درباب نظم اخلاقی مبتنی بر نمود عینی روابط و معاشرت‌هاست، به‌گونه‌ای که با افزایش پیوندها میان افراد، از میزان آزاررساندن افراد به یکدیگر کاسته خواهد شد؛ بنابراین، امنیت معلول اخلاقیات مشترک یا هم‌نشینی افراد با یکدیگر است. مطابق با نظریه کلمن، با افزایش میزان اعتماد و معاشرت (سرمایه اجتماعی) در درون شبکه‌های نسلی و خانوادگی، احساس امنیت اجتماعی افزایش می‌یابد. این گزاره با نتایج پژوهشی ذاکری همامانه و همکاران (۱۳۹۱)، نادری و همکاران (۱۳۸۸)، ردادی (۱۳۸۷)، زمانی (۱۳۸۶)، فقهی فرهمند و زنجانی (۱۳۹۲)، دلاور و جهانتاب (۱۳۹۰)، هزارجریبی و یاری (۱۳۹۱) هم‌خوانی دارد. نتایج تحقیقات فوق تأیید می‌کنند که سرمایه اجتماعی موجب امنیت اجتماعی می‌شود. نتایج دیگر پژوهش حاضر نشان داد که بین اعتماد به افراد سال خورده با میزان احساس امنیت

اجتماعی رابطه‌ای وجود ندارد. همچنین ضریب همبستگی اسپیرمن نشان داد که بین متغیر هم‌نشینی و صحبت با افراد خانواده به‌منزله مؤلفه عینی سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی رابطه‌ای وجود ندارد.

به طور کلی، می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به شکل‌گیری زمینه‌های ذهنی و عینی سرمایه اجتماعی در خانواده، این نهاد به‌منزله منبع پیوندهنده نسلی می‌تواند اعتماد را در سطح فردی به وجود آورد. اعتماد فردی در کنش‌های روزمره باعث می‌شود که افراد ارزش‌ها و هنجارهای مشترک خود و دیگران را احساس کنند و اعتمادشان به یکدیگر افزایش یابد. افزایش اعتماد به‌مثابه سرمایه اجتماعی ممکن است به کاهش ناامنی منجر شود.

پیشنهاد

یافته‌های این پژوهش نشان داد که میزان احساس امنیت در میان پاسخگویان پایین‌تر از حد میانگین است. بنابراین، ضرورت انجام پژوهش‌های بیشتر در حوزه خانواده بارز است. خانواده نهادی است که در آن امنیت بنیادین فرد در آغاز زندگی شکل می‌گیرد و همین رویکرد در بزرگسالی به جامعه تعمیم می‌یابد. با توجه به این یافته پیشنهاد می‌شود که در زمینه امنیت اجتماعی، که اساس نظم و پیشرفت جامعه است، پژوهش‌های بیشتری صورت گیرد.

یکی از نتایج تحقیق حاضر این بود که بین اعتماد به افراد جوان و میان‌سال با احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد. به‌ویژه بالاترین ضریب همبستگی مربوط به ارتباط اعتماد به نسل جوان و احساس امنیت اجتماعی در خانواده بود. این یافته از جامعه‌ای در حال تغییر حکایت دارد که در آن جوانان به‌علت حمل ارزش‌ها و نگرش‌های جدید در معرض آن هستند که اعضای خانواده به‌ویژه افراد مسن و والدین، جهت‌گیری تردیدآمیزی درباره آنها داشته باشند. حال آنکه این موضوع در جوامع در حال تغییر کاملاً طبیعی است و با آگاهی‌رسانی به خانواده‌ها قابل هدایت است، به نحوی که باعث بروز آسیب نشود. از این‌رو، تمام نهادهایی که به‌نحوی دست‌اندرکار آگاهی‌بخشی به خانواده‌ها هستند (رسانه‌ها و نهادهای آموزشی) می‌توانند در قالب برگزاری کارگاه‌های مشاوره خانواده، میزگردهای تلویزیونی، مقالات و... به آگاهی‌بخشی درباره تغییرات نسلی کمک کنند، به نحوی که جوانان بیشتر مورد اعتماد قرار بگیرند و از این طریق احساس امنیت نیز در جامعه افزایش یابد. به‌علاوه، توجه به فضای درونی خانواده، یعنی وجود گفت‌وگو و روابط مناسب و گرم بین اعضای خانواده و نسل‌های خانوادگی، جهت بهبود وضع امنیت جامعه بسیار مهم و حیاتی است. از این‌رو می‌توان به کمک نهادهای مختلف از جمله آموزش و پرورش و رسانه‌های جمعی رسمی روابط اعضا در

خانواده‌ها، گفت‌وگوی میان آنها و آگاهی از ارزش‌ها را به‌منزله سرمایه اجتماعی تقویت کرد و از این طریق، تغییراتی را در جهت توسعه و پیشرفت جامعه به وجود آورد.

منابع

- ابراهیمی لویه، عادل (۱۳۸۵) «اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین مردم شهر گرمسار»، پیک نور، سال هفتم، شماره ۳: ۶۵-۸۴.
- ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان: یافته‌های پیمایش در ۲۸ مرکز استان کشور (۱۳۸۲) موج دوم، تهران: طرح‌های ملی.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۵) «مصاحبه با پرفسور پاتنام»، در: سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، چاپ دوم، تهران: شیرازه: ۱۱۳-۱۳۱.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۵) سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، چاپ دوم، تهران: شیرازه.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۸) نظریه‌های جامعه‌شناسی، چاپ پانزدهم، تهران: سمت.
- دلاور، علی و محمد جهانتاب (۱۳۹۰) «تأثیر سرمایه اجتماعی بر احساس امنیت اجتماعی»، مطالعات امنیت اجتماعی: ۷۳-۹۵.
- ذاکری هامانه، راضیه، سیدعلیرضا افشانی و عباس عسکری‌ندوشن (۱۳۹۱) «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و میزان احساس امنیت اجتماعی در شهر یزد»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره سیزدهم، شماره ۸۳: ۳-۱۱۰.
- رداد، محسن (۱۳۸۷) «سرمایه اجتماعی و امنیت»، راهبرد یاس، شماره ۱۶: ۱۸۶-۱۹۶.
- رز، ریچارد (۱۳۸۵) «کارها در جامعه ضمدردن چگونه پیش می‌رود؟ شبکه‌های سرمایه اجتماعی در روسیه»، در: سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه: ۵۶۹-۶۰۹.
- زمانی، علی‌اکبر (۱۳۸۶) «نقش و کارکرد نهاد خانواده در تأمین امنیت اجتماعی»، دانش انتظامی، سال نهم، شماره ۲: ۶۳-۸۶.
- صالحی امیری، سیدرضا و افسر افشاری نادری (۱۳۸۹) «مبانی نظری و راهبردی مدیریت ارتقای امنیت اجتماعی و فرهنگی در تهران»، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره ۵۹: ۴۹-۷۶.
- صدیق‌سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۷) آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)، تهران: سمت.
- فتحی، سروش و اعظم شیرین‌بیان (۱۳۹۱) «نقش سرمایه اجتماعی بر شکاف ارزشی در بین خانواده‌های شهر گرمسار»، مطالعات اجتماعی ایران، سال نهم، شماره ۳۲: ۱۳۷-۱۶۲.
- فقهی فرهنگ، ناصر و سعید زنجانی (۱۳۹۲) «ارتباط بین امنیت اجتماعی با مؤلفه‌های سرمایه

- اجتماعی و رفاه اجتماعی (مورد مطالعه: خانواده‌های شهر تبریز)، دانش انتظامی آذربایجان شرقی، سال دوم، شماره ۸: ۱۲۷-۱۵۱.
- فیروزآبادی، سید احمد (۱۳۸۴) «نقد و معرفی کتاب بولینگ تک‌نفره: فروپاشی و احیای مجدد اجتماع آمریکایی»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۱۵۶: ۲-۱۶۴.
- فیلد، جان (۱۳۸۸) سرمایه اجتماعی، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضائی، چاپ دوم، تهران: کویر.
- کمالی، افسانه (۱۳۸۳) مطالعه تطبیقی اعتماد اجتماعی در دو حوزه فرهنگ و سیاست (با تأکید بر سازمان‌های تخصصی)، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- کوزر، لوئیس و برنارد روزنبرگ (۱۳۷۸) نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی و کارن بردسال (۱۳۹۰) جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، چاپ ششم، تهران: نی.
- منادی، مرتضی (۱۳۸۵) جامعه‌شناسی خانواده: تحلیل روزمرگی و فضای درون خانواده، تهران: نژاده.
- نادری، حمدالله، محمدعلی جاهد و مهین‌دخت شیرزاده (۱۳۸۸) «بررسی رابطه احساس امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی شهر اردبیل)»، مطالعات امنیت اجتماعی: ۵۹-۸۷.
- نوابخش، مهرداد و جمیله فدوی (۱۳۸۷) «بررسی ابعاد سرمایه اجتماعی و نقش آن در توسعه شهری: مطالعه موردی منطقه ۵ شهر تهران»، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، سال دوم، شماره ۱: ۲۵-۴۷.
- نبوی، عبدالحسین، علی حسین حسین‌زاده و سیده‌هاجر حسینی (۱۳۸۹) «بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی»، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست‌ویکم، شماره پیاپی ۴۰، شماره ۴: ۷۳-۹۶.
- هزارجریبی، جعفر و حامد یاری (۱۳۹۱) «بررسی رابطه احساس امنیت و اعتماد اجتماعی در میان شهروندان (مطالعه موردی ساکنان شهر کرمانشاه)»، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال اول، شماره ۳۹: ۴-۵۸.
- یوسفی، نریمان (۱۳۸۳) شکاف بین نسل‌ها، تهران: جهاد دانشگاهی.
- Coleman, James Samuel (2002) "Social Capital in the Creation of Human Capital". In: Calhoun, C. and Others. Contemporary Sociological Theory. Oxford: Blackwell. pp. 110-125.
- Fukuyama, Francis (1995) Trust: Social Virtues and the Creation of Prosperity, NY: Free Press.
- Hamada, Jun and Soshi Takao (2008) Policy Implications of Social Capital for The Japanese Social Security System, Acta Med. Okayama, Vol. 62, NO. 5. pp275-283.
- Popova, Zora (2012) The Social Capital as a Security Factor, Journal of Regional Security, @ Belgrade Centre for Security Policy, University of Bath, Uk, Vol. 7, No, 1, pp1-15.

Paxton, Pamela (1999) Is Social Capital Declining in The United State? A Mall People in The Cattle Assistant. The American Journal of Sociology, Vol. 105, No.1. July 1999, pp 88- 177.

Sedano,Alferdo Rodriguez and Juan Carlos Aguilera And Ana costaParis (2009) , The Decline of The Family as a Source of Social Capital in The Eu: Some Indicators, Educaciony Educadores, Vol. 12, No. 3, pp 161-177..

